[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

عوامل تأثیر گذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده

مهران علی الحسابی */ نعیمه کرانی**

تاریخ دریافت مقاله: 1390/11/23
تاریخ پذیرش مقاله: 1391/04/10

چکیده

انقلاب کشاورزی و صنعتی با تغییر نیازها و شیوه زندگی انسان، خانه و محل زندگی او را تغییر داده و انتظارات جدید و متفاوتی از آن را به‌وجود آوردند. امروز با شروع انقلاب دیجیتالی موج عظیمی از تحول جریان یافته است که در مسیر خود خانه و مسکن انسان‌ها را نیز دچار تغییر و دگرگونی می‌کند. آنچه که در این سرآغاز تحول مهم است سعی بر شناخت نوع و حوزه تغییرات الگوی مسکن کشورمان و ارائه رهنمودها و الگوهای مناسب برای مواجهه با این دگرگونی است تا پیش از رویارویی با این تحول عظیم آمادگی لازم برای تغییر به وجود آید.

گذشته و به عبارتی تاریخ گذشته مسکن، عامل اشتراک و همبستگی مسکن ایرانی در دوران‌های مختلف این سرزمین بوده و بهتر می‌تواند زمینه‌ساز مسکن آینده باشد. بنابراین باید آنچه که تاکنون بر تحول مسکن تأثیرگذار بوده را در جهان و به خصوص در کشورمان بررسی کرده و با نگرش به آینده این عوامل و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر حوزه مسکن، قدمی به سوی آینده بهتر و زندگی در خانه‌هایی درخور برداریم.

آنچه که در پیمودن هر راه و رسیدن به مقصد نهایی بسیار حیاتی و مهم است، نقطه آغاز راه و نحوه قدم گذاشتن در آن است، به همین دلیل در این مقاله تلاش شده است پیشنهادهایی برای مراحل اولیه دست‌یابی به الگوی مسکن آینده، حفظ هویت و ارزش‌های مسکن ایرانی در گذار از انقلاب دیجیتالی ارائه گردد. بدین منظور عوامل مؤثر بر تحول مسکن و حوزه تأثیر آن‌ها، از بدو اسکان بشر تا کنون (مسکن دیروز) شناسایی شده و با مطالعه روند تحول این عوامل در آینده، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسکن فردا معرفی شده‌اند.

واژگان کلیدی: تحول مسکن، عوامل تحول، مسکن ایرانی، خانه سنتی، خانه آینده.

* دکترای طراحی شهری - عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران . Alalhesabi@iust.ac.ir
** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری - گرایش مسکن دانشگاه علم و صنعت ایران .

- این مقاله حاصل تحقیقات بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معماری با عنوان " مسکن سازگار با زمان- طراحی مجموعه مسکونی همساز با عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات" می‌باشد.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

مقدمه (طرح مسئله)

پیشرفت‌های بشر در طول تاریخ و در سه عصر کشاورزی، صنعت و اطلاعات به عنوان سه موج تغییرات اساسی اتفاق افتاده است. امروزه انقلاب دیجیتالی، انقلاب بیت‌ها و داده‌ها رفتارهای انسانی و شیوه زندگی او را تغییر داده است، این تحول روز به روز پیشرفته‌تر شده و گستره بیشتری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به واسطه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) زندگی واقعی با دنیای مجازی گره خواهد خورد؛ روابط مابین عناصر و اجزای شهری و حتی روابط درونی هر یک از آن‌ها دگرگون خواهد شد، حضور و هزینه حضور در بسیاری از فضاهای شهر کم شده اما در فضای مسکونی بیش از پیش خواهد گردید.

بدیهی است با دگرگونی در شیوه‌های زندگی، تعاملات و ارتباطات اجتماعی، فضای کالبدی به ویژه مسکن و مجموعه‌های سکونتی و اقامتی دستخوش تحولات جدی خواهند گردید، معماران این مرز و بوم باید برای این تحول آماده بوده و گزینه‌ای مناسب برای طراحی و ساخت بناهای ایرانی در قرن 21 بیابند. باید به دوباره نویسی و نوآوری در برپایی بناها، اماکن عمومی و شهرها پرداخت و با بررسی روند تحولات مسکن از گذشته تا آینده، عناصر مفید و کارآمد خانه‌های سنتی و نحوه دگرگونی آن‌ها از گذشته تا کنون، عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن و حوزه‌های تحول الگوی مسکن آینده را شناخت و در سرآغاز انقلاب دیجیتالی برای حفظ مسکن درخور ایرانی هوشیارانه عمل کرد.

جامعه ایران در مراحل مختلفی از تاریخ خود گذار را تجربه کرده است. گذار از سنت به مدرنیته نیز که از حدود یک قرن پیش شروع شده است، در جامعه ایران و متعاقب آن در معماری و کالبد تأثیرات بسیاری داشته، که گاه مطلوب و گاه بسیار مخرب بوده است. آنچه در مواجهه با تجددگرایی در شهرهای ما اتفاق افتاد تعویض به جای ترمیم بود. مداخله به موقع در بافت‌های تاریخی برای هماهنگ کردن آن‌ها با دنیای صنعت صورت نگرفت و در نتیجه خانه‌های قدیم در بافت سنتی قربانی پدیده‌های جدید شهری، مثل خیابان و ساختمان‌های آپارتمانی و بلندمرتبه شدند. امروزه بار دیگر در شرف انقلاب جدیدی هستیم و اگر هوشمندانه و خلاقانه با این پدیده برخورد نکنیم و خود را برای تغییر متناسب با جامعه، فرهنگ، هویت و شرایط کشورمان آماده نسازیم، خانه‌سازی در کشورمان یک‌بار دیگر با تقلید از نخبگان کشورهای بیگانه مواجه خواهد بود.

سئوالات تحقیق

تبادل سریع اطلاعات، پیشرفت روز افزون دانش را در پی داشته است، به نحوی که حجم دریافت‌های بشری در چند دهه اخیر با هیچ دوره‌ای قابل قیاس نیست. توسعه انقلاب دیجیتالی مفاهیم جدیدی را به زندگی بشر افزوده است که تأثیری انکار ناپذیر بر ذهنیت و در نتیجه رفتارها و شیوه زندگی انسان و محل زندگی آن‌ها (مسکن) بر جای نهاده است. در این مقاله برای شناخت هر چه بیشتر این تحول عظیم که در آینده رخ می‌دهد و به همین دلیل بسیاری از ابعاد و حواشی آن بر بشر امروز پوشیده است؛ سئوالاتی مطرح گردیده که دریافت پاسخ آن‌ها در ابتدای راه شناخت و طراحی مسکن آینده الزامی و بسیار مؤثر است، از جمله:

- چه عواملی سبب تحول مسکن در طول تاریخ شده و حوزه تأثیر آن‌ها کدامند؟
- عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن چه روندی را در آینده پیش گرفته و در چه حوزه‌هایی از آن تغییر ایجاد می‌کنند؟

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

– در فرایند دست‌یابی به الگوی مسکن آینده، به چه نکاتی باید توجه داشت؟

روش تحقیق

از آنجا که این پژوهش با رویکرد به آینده، به‌منظور تدوین برنامه و پیدایش اندیشه‌ای تازه انجام می‌شود در زمره تحقیقات توسعه محور قرار می‌گیرد و در آن از روش توصیفی- تحلیلی برای بیان و تصویر عینی و کیفی آنچه که بر شکل‌گیری الگوی مسکن تأثیر گذار بوده و خواهد بود به‌صورت نظام‌مند استفاده شده است. فرایند مورد بررسی در این مقاله، فرایند تحول مسکن در طول تاریخ است، برای دست‌یابی به داده‌های تاریخی در این حوزه از مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعه اسناد اینترنتی، مقالات و کتاب‌های مرتبط با الگوی مسکن و تغییرات آن در بستر تاریخی ایران استفاده گردید و با بررسی فرایند محور داده‌ها در طول زمان به تحلیل و نتیجه‌گیری پرداخته شد.

قرار گرفتن موضوع این تحقیق در زمره مطالعات پیش‌بینی آینده و آینده‌شناسی سبب شده است اصول و شرایطی خاص بر آن حکمفرما گردد. از جمله این اصول کنار گذاشتن فرض استمرار وضع موجود است که موجبات بی اعتباری و ناکامی تمامی کوشش‌ها در زمینه طرح‌ریزی و سیاست‌گذاری آینده را فراهم می‌آورد. حتی اگر طرح‌ریزی‌ها به وسیله مدل‌های پیچیده کامپیوتری و با دقت ریاضی بالا صورت گرفته باشند.(دی‌تور، 1378: 10)

عوامل تأثیر گذار بر تحول مسکن

تاکنون عوامل مختلفی در شکل‌گیری الگوی مسکن یک محل تأثیر گذار بوده‌اند که به دلیل ارتباط محکم و پیوسته میان آن‌ها با تحول هر یک از این عوامل در هر مقطع تاریخی، سایر عوامل نیز متحول شده و در نهایت دگرگونی الگوی مسکن را سبب شده‌اند. در این بخش با معرفی عوامل مؤثر بر تحول الگوی مسکن سعی بر شناخت نحوه تأثیر آن‌ها در تغییر الگوی مسکن شده است.

قابل ذکر است که با وجود اهمیت عامل اقلیم و آب و هوا در شکل‌گیری الگوی مسکن از عنوان کردن آن به‌عنوان عوامل مؤثر بر تحول خودداری شده است؛ زیرا عوامل مؤثر بر تحول مسکن دارای شاخصه‌ها و ویژگی‌های متغیر در طول زمان بوده و با مرور زمان شاخصه‌هایی جدید و متفاوت با گذشته پیدا کرده‌اند اما ویژگی‌های انواع اقلیم (گرم و خشک، گرم و مرطوب، سرد و کوهستانی، معتدل و مرطوب) در طول تاریخ ثابت بوده و تنها روش‌های برخورد با آن‌ها که خود متأثر از عوامل دیگر تأثیر گذار بر مسکن (فرهنگ و تکنولوژی) هستند به‌عنوان متغیرهای اقلیمی مطرح می‌شوند.

فرهنگ و هویت

به اعتقاد راپاپورت، عامل فرهنگ و درک انسان‌ها از جهان و حیات، نقش بسیار مؤثری در مسکن و سازمان تقسیمات فضایی آن داشته است. فرایندها و تحولات فرهنگی، مانند یکجانشین شدن، تحول ساختار خانواده، تحول آرمان‌ها و آداب و رسوم بر خانه و مفهوم آن تأثیر می‌گذارد. خانه از دیدگاه انسان شناختی نوعی «فرهنگ» است و ریشه‌ها، کارکردها و الگوهای فرهنگی مسکن در هر جامعه معین است.(Rapaport,1969: 47)

اعتقادات مذهبی هر جامعه و تنوع آن در طول تاریخ نیز بیانگر بسیاری از جهت‌گیری‌های انسان جامعه مذهبی در برخورد با موضوع مسکن است، برای مثال خداوند در قرآن می‌فرماید: «ما مسکن را محلی برای آرامش انسان، قرار دادیم.» (قرآن کریم، سوره نحل: آیه 80). این انسان برای ایجاد مسکنی که محل آسایش و آرامش خاطر او

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

باشد، اقدام به تعریفی خاص می‌کند؛ زیرا که این انسان، آرامش خود را در توجه به تعالیم مذهبی خود می‌داند و این توجه او را به سوی احداث بنایی خاص که نمود و جلوه‌گر این توجهات باشد، هدایت می‌کند. این امر در معماری مسکن خانه‌های قدیمی دیده می‌شود. مسائلی همچون محرمیت، درون‌گرا بودن، تقدس آستانه ورودی خانه و استفاده از کاشی‌های منقش به آیات قرآنی همگی نشان‌دهنده باورهای مذهبی انسان هستند. (نقره‌کار، 1387: 534-531)

اقتصاد

خانه از دیدگاه اقتصادی نوعی «کالا» است و به‌عنوان یک کالای اقتصادی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر کالاها متمایز می‌کند و تحلیل عرضه و تقاضا و بازار آن را پیچیده‌تر می‌نماید. از یک سو، مسکن کالای مصرفی است که پس از غذا و پوشاک مهم‌ترین نیاز اساسی بشر است و گران‌ترین کالای ضروری خانوار تلقی می‌شود و از سوی دیگر، به‌عنوان کالای غیر منقول بادوام، کالایی سرمایه‌ای است که سرمایه‌گذاری در آن، بزرگ‌ترین بخش دارایی خانوار به شمار می‌رود و علاوه بر خانوار، برای بنگاه‌های اقتصادی نیز جذابیت بالایی دارد. (ناجی میدانی و دیگران، 1389: 162) متأسفانه این امر سبب شده است خانواده‌ها با الزامات اقتصادی و دشواری‌های زیستی فراوانی که به خصوص امروزه با آن مواجه می‌شوند مجموعه نیازهای خود را در مسکنی برآورند که به واقع حداقل سطح مورد نیاز سکونت را دارا است و در پاسخ گویی به نیازهای ساکنانش ناتوان می‌باشد.

شیوه‌های معیشتی و زیستی گوناگون مانند شیوه‌های دامپروری، کشاورزی و صنعتی هر کدام نظام مسکونی خاص خود را به‌وجود آورده‌اند. تفاوت مسکن روستا و شهر نیز ناشی از نظام‌های اقتصادی و اجتماعی خاص حاکم بر آن‌هاست. زندگی کوچ‌نشینی و عشایری که همچنان موجود است نیز نوعی متمایز از نظام سکناگزینی متناسب با محیط طبیعی و نظام اجتماعی عشیره‌ای، کوچ زیستی و دامپروری به وجود آورده است.

تکنولوژی

شناخت و تعیین درجه و میزان برخورداری از دانش فنی هر جامعه از موارد مهم تجزیه و تحلیل هر جامعه است. چرا که نوآوری‌های تکنولوژیکی در توسعه جمعیت‌ها، فرهنگ‌ها، ساختارهای اجتماعی و تولیدات مادی تأثیرات فراوانی دارند (مهرآیین، 1389: 14) با مطالعه تاریخ معماری ایران می‌توان نتیجه گرفت که در هر دوره معماران در استفاده از مصالح و فرم‌های جدید پیشگام بوده‌اند. مثلاً تغییر فرم‌های سقف‌های صاف به فرم‌های گنبدی، به تکنولوژی ساخت گنبد تبدیل شد و یک نوآوری را در تاریخ خود رقم زد. در سطح جهان نیز رویکردهای جدید تکنولوژی تاکنون با ابداع بتن، فولاد، انواع مصالح ساختمانی و تغییر در سیستم‌های ساختمانی شکل خاصی از معماری را به وجود آورده‌اند. (فروتنی، 1388) خانه نیز که از دیدگاه مهندسی و معماری «بنا» یا ساختمان است، از جهت ساخت و حتی نوع روابط فضاهای داخلی خانه متأثر از تکنولوژی در هر دوره تاریخی بوده است چنانچه امروزه به دلیل پیشرفت تکنولوژی روابط و تقسیم‌بندی بخش عمومی و خصوصی، شب و روز و فضاهای خشک و تر به هم نزدیک‌تر شده‌اند.

روابط اجتماعی

توسعه کشاورزی در چند هزار سال قبل منجر به ظهور نخستین شهرها شد زیرا توانایی تولید غذا در محل،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

امکان اسکان دایمی را میسر ساخت. " با این حال در طول تاریخ، جمعیت به‌طور گسترده‌ای در مناطق قابل سکونت جهان پراکنده شد اما تنها در قرن بیستم بود که فرایند برنامه‌ریزی توزیع جمعیت در هر کشور مورد توجه قرار گرفت. طی قرن بیستم و با ظهور کلان‌شهرها و مناطقی با تراکم جمعیتی بالا، نیاز به آگاهی از توزیع جمعیت و تجزیه و تحلیل آن احساس شد زیرا مناطق پر ازدحام، برنامه‌ریزی دقیق‌تر خدمات عمومی و توجه بیشتر به راهبردهای محیط زیستی درازمدت را می‌طلبید." (ایران محبوب و دیگران، 1380) در نتیجه می‌توان گفت با افزایش جمعیت تأثیر روابط اجتماعی بر محیط زیست و مسکن روز به روز بیشتر شده است.

علاوه بر تحولات اجتماعی نظیر افزایش جمعیت و مهاجرت که بر سازماندهی سکونتگاه‌ها در شهر و روستا اثر گذاشته است؛ سایر تحولات اجتماعی بر ساختار درونی خانه‌ها تأثیرگذار بوده‌اند. بنابراین تأثیرگذاری عامل اجتماعی در مسکن را می‌توان به دو بخش کمی و کیفی تقسیم‌بندی کرد. در بخش کمی شاخص‌های کمی مانند تراکم، بعد خانوار، تسهیلات، خدمات و در بخش کیفی خصوصیاتی مانند نوع و زمان ارتباط اعضای خانواده، شیوه ملاقات با دیگران، حضور زنان در جامعه و میزان و چگونگی ارتباط مرد و زن در بیرون از خانه و درون آن در شکل‌گیری مسکن هر دوره تاریخی مؤثر بوده‌اند.(Rapaport,1969: 60-63)

سیاست

یکی از عواملی که همواره در تحولات مسکن به خصوص پس از رشد جمعیت شهرها تأثیرگذار بوده است سیاست‌هایی است که در دولت‌ها برای ساخت مسکن اتخاذ و پیگیری می‌شود. سیاست‌هایی چون تشویق و تدوین ضوابط و مقررات خاص جهت ساماندهی بافت‌های مسکونی مانند اعطای تسهیلات بدون سپرده یارانه‌ای برای ساخت، خرید و مرمت واحدهای مسکونی، تخفیف هزینه صدور پروانه و تراکم پایه و مازاد، (ایزدی و دیگران، 1387: 1) بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، اجرای طرح بهسازی مسکن روستایی و تأمین مسکن گروه‌های مختلف جامعه از جمله قشر آسیب‌دیده پس از جنگ و قشر کم‌درآمد جامعه از دهه‌های گذشته بر چگونگی ساخت مسکن اثر گذار بوده‌اند. چنانچه در ایران نیز امروزه برنامه ساخت هزاران واحد مسکونی "مسکن مهر"، با حمایت دولت در سراسر کشور پیگیری شده است تا مشکل اسکان تعداد زیادی از خانواده‌های جوان و کم‌درآمد را برطرف کند.

آنچه که از مطالعه در روند تغییر عوامل ذکر شده بر می‌آید این است که تمامی عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی بر یکدیگر تأثیر گذاشته و مجموعه تأثیرات متقابل آن‌ها بر الگوی مسکن در هر دوره و تحول آن اثرگذارند.(نمودار شماره 1)

ن1. تأثیر متقابل عوامل مؤثر بر تحول مسکن و نحوه اثر گذاری مجموعه آن‌ها بر شکل‌گیری الگوی مسکن هر دوره تاریخی.

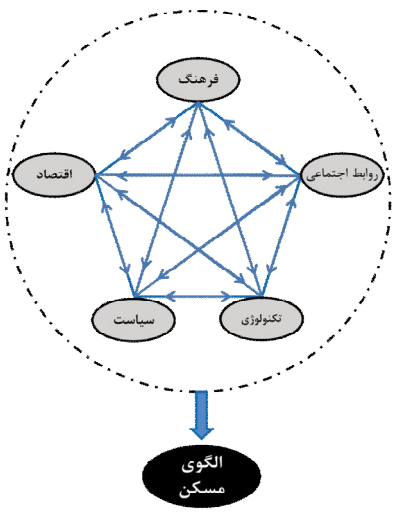

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

تغییرات الگوی مسکن ایرانی (مسکن دیروز)

هنرمندان و معماران ایرانی در طول تاریخ، به دنیا ثابت کردند که توانایی‌های بالایی دارند و به خاطر آثار تاریخی منحصر به فرد فراوانی که از خود بجای گذاشته‌اند، شایسته احترام و قدردانی هستند. این آثار و به خصوص خانه‌هایی که در دوران‌های مختلف تاریخی ساخته شده‌اند با تغییراتی که برآمده از نیازهای خاص مردم در زمان‌های متفاوت بوده است؛ شکل گرفته‌اند. اما این تغییرات در دهه‌های اخیر سرمنشأ آگاهانه و منطقی نداشته و با تقلید کورکورانه به سمت مقصدی نگران‌کننده پیش رفته‌اند. شروع این امر را می‌توان از ورود معماری غرب به تهران، از زمان سلطنت ناصرالدین شاه یعنی نیمه قرن نوزده دانست. تا پیش از این تاریخ معماری در ایران همواره از سنت الگو می‌گرفت، (شیخ، 1384: 34) در دوران قاجار نیز سبک‌های معماری مختلفی پدید می‌آیند که تمایل به برونگرایی در واحدهای مسکونی را افزایش می‌دهند، (اعتصام، 1374: 95) همچنین از دهه اول قرن چهاردهم شمسی (دهه سوم قرن بیستم میلادی) به بعد معماری ایرانی و همراه با آن کیفیت منازل مسکونی با بازگشت معماران تحصیل کرده خارج متحول شد.(حکیم، 1381: 65) حوزه تحولات و تغییرات مسکن که در طول تاریخ و با تغییر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن صورت گرفته‌اند در ادامه طبقه بندی شده‌اند:

درون‌گرایی

درون‌گرایی که از صفات ممیزه و اساسی خانه ایرانی محسوب شده، صفتی است که بر حسب مقتضیات اقلیمی یا جهان‌بینی و فرهنگ قوم ایرانی به معماری خانه افزوده شده و عنصر بنیادی و جهت اساسی پدید آمدن خانه است. منظور از اصطلاح درون‌گرایی خانه ایرانی آن است که در خانه ایرانی بیرون هم به درون آورده شده، یعنی آغاز گفتگو و همزیستی میان درون و بیرون، در داخل خود خانه روی می‌دهد، در حیاطی که مثال کوچکی از باغ دلخواه یا پنجره آسمان است. این‌گونه درون‌گرایی، یعنی آوردن نمونه بیرون به درون را می‌توان ناشی از شرایط اقلیم گرم و خشک و شاید جهان بینی و فرهنگ قوم ایرانی دانست.(هاشمی، 1375: 2)

در خانه‌های سنتی حریم درون همانند سرزمین و هویت، مهم و شایسته پاسداری بوده است، در فرهنگ سنتی ایرانی خانه‌ها حریم اندرونی و بیرونی داشتند تا چشم بیگانه به ناموس خانه نیفتد؛ بنابراین مرزی میان محرمان ساکن خانه وجود نداشته و فرزندان و اعضای خانواده در اتاقی مشترک زندگی می‌کردند. اما در خانه‌های امروزی ایران به درون‌گرایی و حفظ حرمت خانه و خانواده توجهی نمی‌شود، دید به داخل خانه‌ها امنیت روانی خانواده‌ها را از بین برده و جدایی اتاق‌های والدین و فرزندان، میان محرمان خانه مرز و جدایی انداخته است و این جدایی متأثر از تحولات مدرن است و ریشه سنتی ندارد. امروز دیگر بیرون به درون خانه فراخوانده نمی‌شود، بلکه این درون و حریم درون است که به بیرون کشیده می‌شود.

سازمان فضایی و عملکرد اندام‌های خانه

نتایج بررسی‌ها جملگی حاکی از تفاوت شیوه زندگی و سازمان فضایی خانه‌ها در مقایسه با گذشته است. در گذشته اشیای درون اتاق‌ها محدود و مرتبط با فضا و شخص بودند، اتاق‌ها از درون به هم راه داشته و در اندازه و تناسبات با یکدیگر متفاوت بودند. امکان ایجاد تنوع‌های عملکردی در یک اتاق بسیار زیاد بود و تفکیک فضاهای خواب از فضای خوردن و انجام فعالیت‌های روزمره وجود نداشت؛ سازمان فضایی خانه امکان ارتباط

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

ساکنان با طبیعت را فراهم می‌آورد، در حیاط حضور آب، سبزی و گیاه، آسمان، آفتاب و باد کاملاً محسوس بود؛ حیاط مرکزی همانند قلب خانه عمل می‌کرد؛ تنوع مکان‌ها و فضاها امکان تنوع عملکردها را پدید می‌آورد؛ بام به‌عنوان یک مکان تعریف شده فضایی مستقل برای تحقق عملکردها بود؛ گروه فضاهای بسته، گروه فضاهای سرپوشیده (نیمه بسته/ نیمه باز)، گروه فضاهای باز و همه فضاهای بسته به طور غیر مستقیم و عمدتاً از طریق فضاهای سرپوشیده با حیاط مرتبط بودند؛ سازمان فضایی خانه، وارد شوندگان را بر حسب رابطه آن‌ها با خانواده به فضاهای مختلف هدایت می‌کرد، تنوع اتاق‌ها (سه‌دری، پنج‌دری و گوشوار) تنوع سطوح و ترازها (سرداب، پایین‌خانه، بالاخانه و بام)، تنوع پوشش‌های کف (آب، درخت و گل و سبزی، انواع آجرها، کاهگل و انواع مصالح دیگر) تنوع نور در هشتی و دالان و حیاط و زیرزمین، سازمان فضایی خانه را بسیار متنوع کرده بود.

اما با مرور زمان و تغییر در سازمان فضایی خانه‌ها، زبان غیر معمارانه در اکثریت آن‌ها حاکم شده است. هنگامی‌که در فضای خانه‌های معاصر وارد می‌شویم، گم نمی‌شویم اما نمی‌توانیم خودمان و فضای خودمان را پیدا کنیم. تقریباً به یکباره همه آنچه فضاهای خانه‌های معاصر را شکل می‌دهند عیان می‌شوند. همه چیز قابل پیش‌بینی است. اگر صاحب‌خانه دست ما را نگیرد و هدایتمان نکند و اگر مبل‌های آماده برای نشستن اندکی دور از دید باشند جایی برای رفتن نیست، اشیاء ما را هدایت می‌کنند. درها که به سبب فقدان درگاهی، حریم‌هاشان درهم می‌شود، تنها با بسته بودن آشکار می‌شوند و بدین ترتیب با بسته بودن درها تشخیص آشپزخانه، حمام، توالت و گاه در خروجی مشکل می‌نمایند. بوی غذا شاید به آشپزخانه هدایتمان کند و چک چک شیرهای آب و صدای سیفون به دست‌شویی و توالت. مکان پنجره‌ها را بیشتر از طریق پارچه یا کرکره‌های آویزان بر دیوار می‌توان تشخیص داد نه چشم‌اندازهایی که می‌بایست از درونشان دیده شود.(حائری، 1375: 25- 20)

از دهه بیست میلادی در اروپا و از دهه سی در ایران با توجه معماران به علم جدید پزشکی و بهداشت عمومی، حمام و توالت در سازمان فضایی خانه جایی در کنار اتاق‌های خواب یافت و مطبخ‌های قدیمی و تاریک جای خود را به فضاهای بهداشتی و کاربردی آشپزخانه دادند و با تغییر سوخت و منابع انرژی مورد استفاده در آن، به یک فضای مدرن، تمیز و مجهز به آخرین اختراعات عصر حاضر تبدیل شدند. مکان آشپزی یا آشپزخانه به داخل خانه و معمولاً به اشکوب اول منتقل شد و دیگر مانند گذشته فضایی اندوهناک و دخمه مانند نبود.(حکیم، 1381: 66)

شیوه زندگی

بشر ماقبل تاریخ موضوعی باعنوان خانه، نمی‌شناخت. انسان اولیه تنها محلی را به‌عنوان سر پناه فراهم می‌کرد تا از باد و باران در امان باشد اما با گذشت زمان و پیشرفت در ساخت، خانه‌هایی را به‌وجود آورد که از چند اتاق تشکیل شده بودند. اتاق اصلی درجه اول اهمیت را داشت و تقریباً شامل تمامی فضای خانه می‌شد. زندگی، پخت و پز و خواب نیز در همین فضای مشترک انجام می‌شد و آرامش و آسایش ساکنان را فراهم می‌کرد. اما به مرور زمان و با تغییر شیوه زندگی، تفکیک هر یک از عملکردها در خانه روز به روز بیشتر شده و سبب شده است اندام‌های خانه از یکدیگر جدا شده و در دو حالت انفکاک کامل از فضای اصلی (فضایی که حضور ساکنین در آن بیشتر است) و یا مجاورت با آن شکل بگیرند.

شیوه زندگی در خانه‌های بزرگ سنتی مانند خانه بروجردی‌ها و خانه طباطبایی‌های کاشان (دوره قاجار) که

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

دارای مجموعه وسیعی از امکانات مانند حمام، آب انبار، اتاق‌های بهار خواب، زمستانه، بادگیر، آشپزخانه‌های متعدد بزرگ، انبارها، هیزم‌دان، حیاط‌های متعدد، تالار، مهمان خانه، سالن‌های پذیرایی و ملاقات، اندرونی و دیوارهای بلند و قلعه گونه هستند؛ با زندگی در خانه‌های معاصر و مدرن امروزی بسیار متفاوت است، با رشد صنعت ساخت و دکوراسیون، دیوارها برداشته شد و اتاق‌های اوپن (باز) جای سبک‌های سنتی را گرفتند، حضور پنجره‌ها در جبهه بیرونی خانه نماسازی را متنوع و برونگرایی را تقویت کرد.

با توسعه شهرنشینی نیز خانه، بسیاری از کارکردهای سنتی‌اش مانند محل غذا خوردن، محل تفریح و آسایش، محل ملاقات و میهمانی، محل جشن‌ها و برگزاری آیین‌ها، محل کار و تولید، همه چیز به‌جز محل خواب را به فضاهای شهری منتقل کرده است. اکنون دیگر در شعار «شهر ما خانه ما» بیش از آنکه خانه «استعاره‌ای» برای شهر باشد، بیانگر و توصیف «واقعیت» است. امروزه بخش عمده‌ای از اوقات زندگی در شهر و فضاها و مکان‌های گوناگون شهری سپری می‌گردد. متعاقباً اوقات مختص به درون منزل بسیار کمتر شده است. زمانی خانه به‌عنوان جایی که خاطرات و تجربیات کودکی در آن شکل می‌گرفت حائز اهمیت بود. اما در عصر حاضر خاطرات ما دیگر مختص به محیط خانه نیست. تولد و بزرگ شدن در خانه پدری هم دیگر رسم پابرجایی نیست. فرزندان در زایشگاه متولد می‌شوند و در شیرخوارگاه، مهدکودک و مدرسه بزرگ و تربیت می‌شوند. حتی اوقاتی که در خانه‌اند نیز اغلب در «فضای مجازی» بازی‌های رایانه، کارتون‌ها و فیلم‌های تلویزیونی یا در شبکه اینترنت‌اند؛ به واقع در «خانه‌ای مجازی» رشد می‌کنند نه «خانه واقعی».(فاضلی، 1386: 38)

تغییر شیوه زندگی تقریباً همه جنبه‌های آئینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بالطبع خوراک و پوشاک و آداب سکونت را هم شامل شده است. انقلاب غذایی (اقبال عمومی به غذاهای آماده)، انقلاب اتومبیل (اختراع و تولید انبوه اتومبیل)، انقلاب ابزار (ماشین‌آلات کمکی در خانه‌ها مانند جارو برقی، ماشین ظرف‌شویی و...)، انقلاب خدمات (عمومی شدن خدمات آب، برق، گاز و حمل و نقل)، انقلاب جوانان (آزادی در انتخاب سبک زندگی) و انقلاب تلویزیون (ابزار رسانه‌ای و سرگرمی) از جمله عوامل مؤثر بر تغییر شیوه زندگی دهه‌های اخیر هستند.(فاضلی، 1385: 28- 25) تغییر در شیوه زندگی، تغییر در مسکن را موجب می‌شود و تغییر در مسکن، رفتارها و شیوه زندگی جدیدی را طلب می‌کند و این تأثیر و تأثر همچنان ادامه دارد.

شیوه ساخت

اصول پایداری سازه ساختمان‌ها همیشگی و جاودانی هستند، اما توسعه و پیشرفت در تولید مصالح سازه‌ای، روش‌های طراحی و تکنیک اجرای ساختمان‌ها، کاربرد این اصول را در ساختن ساختمان‌ها دستخوش تغییر می‌نماید و تجدید نظرهای مکرر در زمینه کاربردهای ساختمانی را ضروری می‌سازد. (سالوادارى، 1385: 5) پیشرفت دانش بشر از آغاز اسکان تا به امروز موجب استفاده از شیوه‌های ساخت متنوع و متفاوت در هر دوره تاریخی و تکامل آن‌ها شده است. این تکنولوژی‌های ساخت با استفاده از شاخ و برگ درختان، تیر و ستون‌ها، تاق‌ها، تویزه‌ها و گنبدها گرفته تا پانل‌های پیش ساخته بتنی و فلزی، همه بر میزان چیرگی دانش و خلاقیت بشری بر شیوه ساخت در هر دوره تاریخی حکایت دارند.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

انسان در طرح خانه همواره از شکل‌های طبیعی الهام گرفته است، در آن روزگار خانه‌ها همچون خطوط درون غار با مقطع نیم‌دایره و مصالحی از گل و نی ساخته می‌شدند اما با گذشت زمان، پلان خانه‌ها با الهام از شکل جدید آجر از دایره به مستطیل تحول یافت. رنگ و مصالح دیگر به آن وارد و شیوه‌های ساخت بهتر با ظاهری زیبا مورد علاقه واقع شد، پس برای اندود کردن کف و دیوارها به جای گل از گچ استفاده کردند و رنگ‌های خاکی، قهوه‌ای و قرمز را در بیرون و درون خانه‌ها به کار گرفتند.(گاردینر، 1375: 49)

معماران در گذشته نیارش ساختمان را از زیبایی آن جدا نمی‌دانستند، به تجربه، به اندازه‌هایی برای پوشش‌ها، دهانه‌ها و جرزها دست یافته بودند و با استفاده از پیمون‌های کوچک و بزرگ هرگونه نگرانی معمار را از نااستواری، نازیبایی، یکنواختی و یکسانی ساختمان‌ها از بین می‌بردند. همچنین در ساخت بناها از مصالح و امکانات بومی، محلی و در دسترس برای سرعت بخشیدن به کار ساخت و راحتی نوسازی (خودبسندگی) و در صورت نیاز از مواد و مصالح سرزمین‌های دوردست استفاده می‌کردند. (پیرنیا و دیگران، 1384: 31 - 30) آن‌ها پس از صنعتی و استاندارد شدن خانه‌ها، دستاوردها و تجهیزات صنعتی را در برخورد با عناصر خانه، در سه روش: 1- هماهنگ شدن با آن‌ها (داکت‌ها)، 2- جایگزین آن‌ها شدن (مصالح و شیوه ساخت صنعتی به جای مصالح و نیارش بومی)، 3- دگرگونی آن‌ها، تقسیم‌بندی کردند. ایجاد داکت‌ها در بنا که پس از پدیدار شدن کولر و شوفاژ، امکان عبور لوله‌ها و کانال‌های تأسیسات را فراهم آورد، نمونه‌ای از هماهنگ شدن با دنیای صنعت است؛ در حالی که با تسلط یافتن ماشین‌آلات مربوط به آشپزخانه، فضاهایی خاص استقرار آن‌ها شکل گرفت که هم‌اینک در شکل خاص آشپزخانه در همه جا معمول شده و دگرگونی اساسی را در آن به وجود آورده است. از طرف دیگر، گسترش الگوهای معماری و خانه‌سازی صنعتی، با جایگزینی شیوه ساخت جدید به جای ساخت بومی، نوعی «همگن‌سازی» خانه را به وجود آورده‌اند تا جایی که هر انسانی می‌تواند شباهت‌های بین شهرهای بزرگ دنیا را از نظر ساختمان‌ها و فضاهای شهری درک کند. چرا که در همه آن‌ها آپارتمان‌ها و برج‌های سر به فلک کشیده و بناهای مکعبی و مستطیلی با مصالح سنگ، شیشه، سیمان و آهن به چشم می‌خورد. امروزه معماران در تلاش برای دست‌یابی به مصالح و تکنولوژی‌های ساخت مقاوم، پایدار و سبز هستند تا بتوانند دنیا را از نابودی امکانات طبیعی برهانند و در این راه به تحقیق در تمامی ارکان ساخت بناها (سازه، مصالح و تجهیزات) می‌پردازند.

نوع و ارتباط واحدهای مسکونی

بشر همواره از آغاز دوره اسکان تا کنون در مورد ساخت خانه‌های مناسب و ارتباط میان آن‌ها اندیشیده و سعی بر ایجاد مجموعه‌ای موزون و هماهنگ داشته است. این هماهنگی که در خانه‌های کوچک، ساده، حیاط‌دار و ابتدایی دهکده‌های بدوی دیده می‌شود در ارتباط ساده بین خانه‌هایی روستایی خلاصه می‌شود.(پیرنیا و دیگران، 1384: 153) اما با شهرنشینی، گسترش تکنولوژی، افزایش نیاز به روابط اجتماعی، ازدیاد مهاجرت و افزایش جمعیت در شهرها، نیاز و گرایش به انواع خانه‌ها را با انواع رابطه مانند حومه نشینی، خانه‌های تک واحدی مستقل، خانه‌های حیاط مرکزی در شهرها، خانه‌های شهری برونگرا، مجموعه‌های مسکونی اشتراکی، آپارتمان‌های بلند، مجتمع‌های مسکونی با ارتفاع متوسط، مجتمع‌های مسکونی جمعی و ساختمان‌های چند عملکردی به وجود می‌آورد.(شوئنوئر، 1380) نوع

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

سازماندهی هر یک از این انواع خانه سبب ایجاد روابطی خاص در خانه و محیط همسایگی و محلی آن می‌شود.

در ایران نیز با شروع عصر سرمایه‌داری و تغییر سبک تولید و معیشت، خانه‌ها کم‌کم از حالت افقی به شکل عمودی و از حالت حیاط‌دار به مجتمع‌های مسکونی و آپارتمانی درآمدند. (شیخ، 1384: 88) اولین مجموعه مسکونی(49 ـ 1343 ه. ش.)، در 14 بلوک و 12 طبقه با 384 واحد مسکونی در بهجت آباد تهران ساخته شد (همان، 68) و با افزایش روز افزون جمعیت و تمرکزگرایی شهرها پدیده گسترش ساختمان‌های مسکونی مرتفع که بعضی از آن‌ها توسط تعاونی‌های مسکن، برخی توسط دولت و پاره‌ای توسط بخش خصوصی ساخته شده‌اند، در شهرهای بزرگ شدت یافته است.

تعداد و نوع رابطه ساکنین

" انسان از غار بیرون آمد تا برای گروه‌های خانوادگی امکان زندگی در محیطی خصوصی‌تر را فراهم کند و به این غریزه ابتدایی خود پاسخ دهد. ... پس خانه مایملکی شد که زندگی گروه‌های خانوادگی را نظم می‌داد و تداوم حیات گروهی آن‌ها را تضمین می‌کرد. "(گاردینر، 1375: 48) فضای مسکونی سنتی در ایران، زمینه‌ساز یک محیط خانوادگی امن و سالم بوده است و خانوارها به تربیت فرزندان، رفع خستگی ناشی از کار و فعالیت، تداوم سینه به سینه فرهنگ‌ها و پیشینه‌های تاریخی می‌پرداختند. در این فضا فرزندان بزرگ خانواده در صورت ازدواج به همراه همسر خود در قسمتی از همان خانه پدری سکونت می‌گزیدند، زیرا وسعت خانه‌ها به نحوی بود که امکان زندگی تعداد زیادی در چند خانوار را که معمولاً با هم رابطه خانوادگی داشتند فراهم می‌کرد. اما امروزه، در هر بلوک و مجموعه آپارتمانی با وجود آنکه خانواده‌های زیادی زندگی می‌کنند، به ندرت خانه‌ای یافت می‌شود که ساکنان آن همانند گذشته خانواده‌ای گسترده و با تعداد زیاد باشند، چرا که فرزندانی که ازدواج می‌کنند از خانه پدری جداشده و با زندگی در خانه‌ای مستقل، خانواده هسته‌ای خود را شکل می‌دهند.

از طرف دیگر در برخی کشورها تمایل به استقلال و آزادی از زندگی با دیگران تا جایی ادامه پیدا کرده است که پدیده فردگرایی را شدت بخشیده و سبب شده است ساکنین خانه به افرادی مجرد تقلیل یابند.(فاضلی، 1386، 46)

رویارویی با اقلیم

یکی از ویژگی‌های خانه سنتی، شیوه جهت‌یابی فضایی آن است که معماران سنتی به آن، "رون" می‌گفتند. معماران ما بر پایه تجربیاتی که از ویژگی‌های آب و هوایی، تابش آفتاب و سوی وزش باد و دیگر عوامل داشته‌اند، از سه رون بنیادی راسته، اصفهانی و کرمانی استفاده می‌کردند. همچنین برای پیشگیری از رخنه گرما و سرما و آفتاب آزاردهنده از روش‌هایی چون دو لایه کردن بام، استفاده از تیغه‌های آفتاب‌شکن (تابش‌بند)، استفاده از قطعات کوچک شیشه‌های رنگی و سایه‌اندازی با ایجاد پستی و بلندی حتی در تزئینات دیوارها استفاده می‌کردند. (پیرنیا و دیگران، 1387: 42- 31) در گذشته از سازمان فضایی متناسب با اقلیم منطقه نیز در مقابله با سرمایش یا گرمایش فضاها بهره می‌بردند. حیاط به‌عنوان مهم‌ترین عامل تهویه هوا محسوب می‌گردید و فضاهای تابستان‌نشین و زمستان‌نشین در کنار آن شکل می‌گرفتند. (حائری، 1375: 25)

در رأس قرار گرفتن تعالیم مزبور و با استشهاد بر توفیق معماری سنتی در سازگاری با اقلیم، این تصور ایجاد شده است که گویا هدف از ساختن خانه یا هر

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

بنای دیگری محافظت کردن محیط زندگی انسان در مقابل باد و باران و سرما و گرما می‌باشد و فراموش می‌شود که همگی این امور الزامات خانه‌سازی در سازگاری با نیروهای طبیعت بوده و خود خانه چیزی است که به نیاز انسان، یعنی نیاز به سکونت، پاسخ می‌دهد و چون انسان به ساختن آن دست زده است، این الزامات بروز کرده‌اند.(هاشمی، 1375: 2) امروزه برای پاسخگویی به این الزامات از دستگاه‌ها و تأسیسات مختلف گرمایشی و سرمایشی استفاده می‌شود و درجست و جوی استفاده دوباره از عوامل اقلیمی و نیروهای طبیعت به جای مصرف سوخت‌های فسیلی و تجدید ناپذیر از دستگاه‌هایی به‌عنوان واسط دریافت و مهارکننده انرژی‌های اقلیمی استفاده می‌کنند.

ارتباط با طبیعت

مسکن همواره با طبیعت و زیست محیط انسان پیوندی نزدیک داشته است. خانه از هر نوعی باشد لاجرم در طبیعت و با استفاده از مواد به دست آمده از آن ساخته می‌شده و نمی‌توانست بدون سازگاری با آن به حیات خود ادامه داده و پایدار بماند. مسکن نه تنها رنگ تاریخ، بلکه رنگ جغرافیا نیز داشته است. اما انسان امروز با استفاده از تکنولوژی به دست‌کاری طبیعت می‌پردازد و بر آن مسلط می‌شود تا بتواند خانه‌ای بسازد که با اعتقادات، زیبایی‌شناسی، جهان‌شناسی و کلیت فرهنگ امروز او سازگار باشد. روایت استاد پیرنیا از خانه ایرانی پر از اصطلاحاتی است که هر کدام یکی از معانی خانه را، از یک طرف در رابطه با انسان و از طرف دیگر در رابطه با طبیعت بیان می‌کنند. فراوانی این اصطلاحات حاکی از گوناگونی و غنای روابط میان انسان و طبیعت یا عالم ماورای اوست. این روابط گوناگون و متعددند، اما همه آن‌ها را یک چیز هماهنگ می‌کند که عبارت است از پراکندگی و گریزندگی طبیعت خالی از انسان را به مرکزیت حضور انسان گرایش دادن.(هاشمی، 1375: 2)

ارتباط با طبیعت و حضور طبیعت در معماری از دیر باز در سرزمین‌های شرقی و همچنین در ایران وجود داشته است. روحیه ایرانیان و علاقه آنان به باغ‌های سرسبز و آب جاری بر کسی پوشیده نیست. خانه‌های دوره صفویه با حوض‌خانه‌ها و پنجره‌های دلباز یا خانه‌های دوره قاجار با ارسی و ایوان‌های آن به خوبی تأثیر این نیاز را بر فضاسازی و طراحی معماری ایران نشان می‌دهند.

معماران اوایل قرن سیزده نیز با طراحی خود، مسکن را از مرزهای سنتی حصار مانندش آزاد کردند و به ساختمان‌ها اجازه حضوری آزاد دادند. انسان و محیط مسکونی او در مرکز مجموعه‌ای مشرف به فضای آزاد و سرسبز قرار گرفت. پنجره‌های بزرگ اهالی خانه را با حیاط، طبیعت بیرون و خیابان مرتبط ساخته (حکیم، 1381: 68) و ارتباطی غیر مستقیم با طبیعت را به وجود آوردند و به مرور با گسترش خانه‌ها در ارتفاع و از میان رفتن حیاط و فضای باز طبیعی حضور عناصر طبیعت در خانه‌ها به شدت کم شده و مردم برای ارضای نیاز خود به حضور در طبیعت و ارتباط با آن به پارک‌های موجود در شهر و یا روستاها و مناطق طبیعی خارج شهر پناه می‌برند.

هویت

در مفاهیم معماری ما از قرن‌ها پیش ساحت مقدس خانه به‌عنوان محلی برای آرامش و با توجهات معنوی تعریف شده است. اما با عوض شدن شیوه زندگی در نیم قرن گذشته، مفهوم و مصداق «خانه» و «سکونت» جای خود را به «واحد مسکونی» و «اسکان» دادند.(حائری، 1375: 19) امروز هویت خانه تغییر کرده و بسیار متفاوت از گذشته آن شده است؛ خانه امروز عقلانی، شهری،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

عرفی، جهان/محلی، رسانه‌ای و دمکراتیک شده است یعنی از یک سو گذشته و تاریخ را رها کرده و از سوی دیگر با شرایط زمان حال هماهنگ شده است؛ به‌عنوان جزو کوچکی از شهر و یا در ارتباط با شهر نه در ارتباط با ساکنانش معنا پیدا کرده و خالی از نمادها و نشانه‌های متافیزیکی و معنوی و مذهبی گشته است؛ ارزش‌های مکانی و بومی خود را در فرآیندهای رو به رشد جهانی‌شدن، فشردگی و درهم تنیدگی زمانی و مکانی، با تهدید و ترلزل روبه‌رو می‌بیند؛ پوشش فرهنگی و حریم درونی خود را به وسیله رسانه‌ها از دست داده و ارتباطی نزدیک‌تر بین اعضای خانواده را به وجود آورده است. (فاضلی، 1386، 44- 38) جهان شمولی و مفاهیم دهکده جهانی، که در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فلسفی تأثیرات به‌سزایی در نگرش و دیدگاه بشر امروز گذارده است، تلاش دارد تا شیوه زندگی انسان‌ها، هویت و وجوه تمایز فرهنگی آن‌ها را نیز دگرگون سازد.

عوامل مؤثر در شکل‌گیری مسکن فردا

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، عوامل بسیاری چون فرهنگ، هویت، اقتصاد، جامعه و سیاست بر حوزه مسکن تأثیر گذار هستند و اکنون در آستانه انقلاب دیجیتالی تمامی این عوامل متحول شده و در نتیجه مسکن آینده را نیز دچار دگرگونی خواهند کرد. گرچه اندیشمندان مختلف در باب تحولات آتی در لایه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند، اما وجوه تشابه بسیاری در میان نظرات آنان دیده می‌شود که به درک تغییرات آتی کمک می‌کنند، در ادامه به برخی از این نظریات و تأثیرگذار بودن آن‌ها بر حوزه مسکن اشاره شده است:

فرهنگ و هویت

جامعه و پدیده‌ها به لحاظ هویتی و فرهنگی و با رشد تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی به سمت جهانی شدن پیش می‌روند، هویتی جدید بر اساس همجواری فرهنگ‌ها در حال شکل‌گیری است که در آن فرهنگ دست نخورده چند قرن پیش فقط یک رؤیاست زیرا بستن مرزهای اطلاعاتی و فیزیکی ملت‌ها ممکن نیست. آنچه که فرهنگ امروز را تهدید می‌کند پدیده چند فرهنگی و ظهور هویت‌های چندگانه است. فرهنگی که با پذیرش بی‌چون و چرا از فرهنگ غالب جوامع سراسر جهان به وجود می‌آید و فرهنگ‌های بومی و تکامل آگاهانه آن‌ها را در خطر قرار می‌دهد.

گفته می‌شود انسان آینده بیشتر میل به افشای خود، بیان خود و خود را در معرض دیگران نهادن دارد.گویی دیگر چیزهای زیادی برای پنهان داشتن نخواهد داشت تا نیازمند دیوارها و حصارهای بلند خانه باشد و تنها نگران از دست دادن اموال و دارایی‌های مادی درون خانه خواهد بود نه روابط اجتماعی، حریم و ارزش‌های انسانی. چرا که «شهروند جهانی» در جایی به دنیا می‌آید، در جای دیگر تحصیل می‌کند و در سرزمین‌های مختلف به کار می‌پردازد. بنابراین مفهوم خانه، خانه پدری، سرزمین آبا و اجدادی، وطن و خانه خصوصی دیگر برای او، آن مفهوم سنتی را تداعی نخواهند کرد و با به وجود آمدن نوعی یکنواختی و همگن‌سازی در فرهنگ خانه‌ها، فرهنگ‌های معماری بومی را فراموش خواهند کرد. گرچه چنین نظریاتی به معنای قطع ارتباط بین فرهنگ و مسکن نیستند اما نشان دهنده در معرض خطر قرار گرفتن فرهنگ انسان‌ها و به تبع آن فرهنگ خانه‌سازی هستند. در این حال نباید و نمی‌توان از حفظ سبک‌های محلی معماری و خانه‌سازی غافل بود. بلکه با دانستن اینکه نسبت میان مسکن و فرهنگ هرگز مانند گذشته نخواهد بود باید با ایجاد نسبتی از نوع و گونه‌ای دیگر، منطقی جدید برای حفظ و تکامل فرهنگ معماری بومی مناطق مختلف کشور پایه‌گذاری نمود.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

ت1. روند تحول مسکن در گذر زمان.

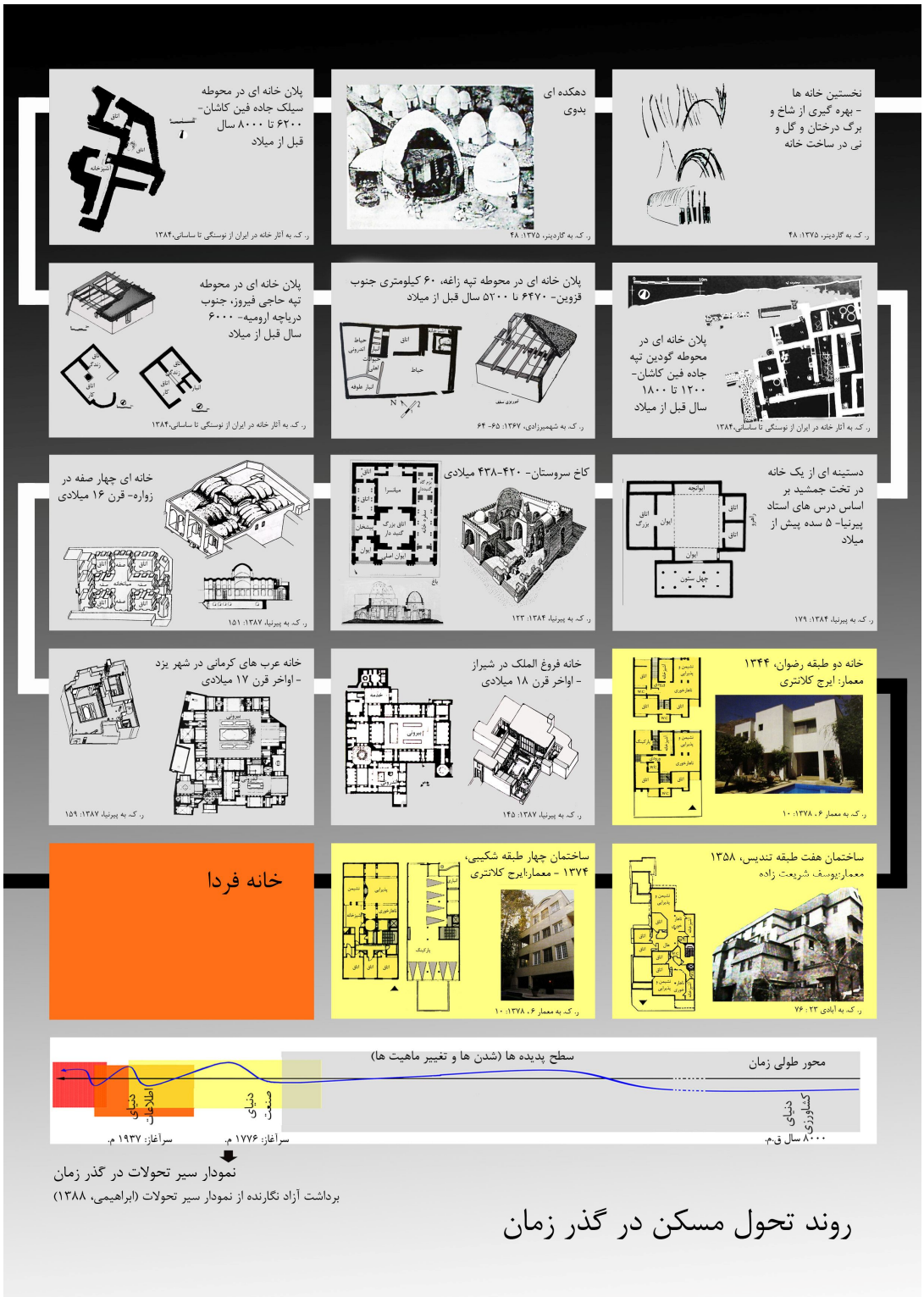

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

اقتصاد

در گذشته سرمایه‌داری وابسته به مالکیت بر منابع طبیعی، کارخانه و تجهیزات بود. اما توجه به جایگاه اطلاعات در نهاد اقتصادی و ساختار اقتصادی جوامع امروز تا جایی پیش رفت که اقتصاد مبتنی بر اطلاعات مطرح گردید. از نشانه‌های آشکار این تحول می‌توان به خدماتی چون تجارت و فعالیت‌های اقتصادی الکترونیکی اشاره نمود.

در برقراری ارتباطات اقتصادی و تجاری دو مانع بزرگ "ساخت و تأخیر زمانی" وجود دارند که به وسیله ارتباطات الکترونیکی دنیای مجازی به حد صفر می‌رسند. از بین رفتن مکان و زمان به وسیله دنیای الکترونیک مهم‌ترین ویژگی دنیای سرمایه‌داری اطلاعاتی است. نظام جدید تولید، سخن از کوچک‌تر کردن واحدهای تولید، تمرکز کردن و از شهر بریدن تولید و دگرگون ساختن خصلت واقعی کار به میان آورده است که می‌تواند میلیون‌ها انسان را از کارخانه‌ها و ادارات "زندان‌مانند" آزاد کند و به مأوای اصلیشان که از ابتدا بدان تعلق داشته‌اند، یعنی خانه بازگرداند. این بازگشت به خانه سبب بروز تغییراتی اساسی در بخشی از خانه‌های آینده خواهد شد چرا که مسائل کاری و سختی‌ها و گرفتاری‌های آن به درون خانه‌ها که همیشه مکانی برای آرامش و آسایش محسوب می‌شده‌اند انتقال می‌یابند، با امکان انجام کار، یادگیری، خرید و درمان از راه دور حضور در خانه بیشتر شده و نیاز به تنوع‌پذیری و انعطاف‌پذیری فضاها را برای حفظ مطلوبیت، کیفیت، آرامش و آسایش فضای مسکونی بیش از پیش خواهد کرد.

تکنولوژی

از مهم‌ترین تحولات آینده مسائلی مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات و مجازی‌سازی است که سبب تحول اساسی در شهرسازی و معماری خواهد شد. تکنولوژی اطلاعات باعث آزادسازی بسیاری از فعالیت‌ها از قید محیط شده است و مرزهای سنتی محل کار/خانه و عمومی و خصوصی را باز تعریف کرده است آنچه که در بسیاری متون مطرح می‌شود معماری دیجیتال، سیال، هوشمند و فرامعماری است، دنیا و آن معماری که به جای کالبد و بافت کالبدی واجد اعصاب و بافت الکترونیکی است و در آن به جای پنجره از مانیتور و از کلمه عبور به جای پاسپورت صحبت می‌شود.

آنچه در توسعه تحولات تکنولوژیکی و ارتباطی قطعی است، به وقوع پیوستن انقلابی است که ارتباط مردم با مکان و محل زندگی را متحول می‌کند. استفاده از فضاهای الکترونیکی و نرم‌افزارها در اداره محیط کالبدی بیش از پیش خواهد گردید و جانشین‌سازی فضاهای مجازی به جای بسیاری از فضاهای فیزیکی به چشم خواهد خورد. در این میان به نظر می‌رسد نقش مکان و در نتیجه بسیاری از مفاهیم چون حس تعلق به یک مکان، فرهنگ و آداب و رسوم آن مورد تزلزل واقع خواهند شد بنابراین باید در استفاده از تکنولوژی‌های جدید هوشمندانه عمل کرد تا موقعیت این مفاهیم اساسی در زندگی به خطر نیافتند.

روابط اجتماعی

جامعه فراصنعتی جایگزین جامعه صنعتی نمی‌شود همان‌گونه که جامعه صنعتی جایگزین جامعه سنتی مبتنی بر اقتصاد کشاورزی نشد. اما تغییر بسیاری در جامعه فراصنعتی رخ می‌دهد چرا که انسان‌ها خیلی سریع خود را با فناوری‌های در دسترس تطبیق می‌دهند، به گونه‌ای که استفاده از فناوری عصر دیجیتال به‌عنوان جزو لاینفک در ارتقای کیفیت زندگیشان مطرح می‌شود و سبب غرق شدن انسان در فناوری‌های روز و در نتیجه به وجود آمدن تغییراتی نامحسوس در رفتار او می‌شود.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

با مطالعه روند تغییر تعداد ساکنین در خانه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که ابعاد و اندازه خانه‌ها به سمت حداقل پیش می‌رود. تافلر نیز موج سوم تحول را قرین با پایان عمر خانواده‌های هسته‌ای می‌داند و معتقد است همان گونه که موج دوم خانواده‌های گسترده را از میان برداشت، موج سوم خانواده‌های هسته‌ای را هدف گرفته است؛ مردم در موج سوم در چارچوبی غیر از خانواده هسته‌ای زندگی خواهند کرد و فرهنگ زندگی بدون بچه و افزایش مجردها ویژگی‌های این الگوی جدید خانواده در موج سوم است.

بنابراین معنای خانه به‌عنوان فضای زندگی، آرامش، آسایش و مهر و محبت میان اعضای یک خانواده مورد تهدید قرار گرفته است و با تبلیغ ارزش‌ها و سودمندی‌های زندگی خانوادگی باید در حفظ و استمرار آن کوشید.

سیاست

تافلر معتقد است در روزهای آتی اقتصاد به هم پیوسته، نهادهای بین‌المللی، انجمن‌های فراملیتی، حتی رسانه‌های فرامرزی، بر روی نظام سنتی دولت‌ها تأثیر می‌گذارند. نیروهایی از پایین به بالا (تجزیه دولت‌ها به دولت‌های کوچک‌تر و خود مختار) و از بالا به پایین (فشار سازمان‌های فراملیتی) این تمامیت‌ها را مورد هدف قرار داده‌اند. (تافلر، 1373) با انقلاب دیجیتالی، سیاست جهانی واحدی شکل می‌گیرد و سرنوشت همه بخش‌های کره زمین از طریق شبکه به هم گره می‌خورند، مرز کشورها فرو می‌ریزد و عملکردهای بین‌المللی سکونتگاه‌های کلان و قلمرو آن‌ها به چالش می‌افتند؛ بنابراین دولت‌های ملی دیگر تنها نهاد تأثیرگذار بر زندگی و مسکن مردم نیستند.

در میان چنین نظریاتی آنچه که قطعی است تأثیر سیاست‌هایی فراتر از مرزهای یک کشور بر آن است، این سیاست‌های جهانی بر همه اجزا از جمله مسکن یک کشور تأثیرگذار خواهند بود. بنابراین تقویت سیاست‌های خردمندانه ساخت و ساز محلی می‌تواند در حفظ هویت معماری بومی هر منطقه به خصوص مسکن که بخش عمده‌ای از کالبد شهر را تشکیل می‌دهد، اثری مثبت داشته و در برابر روند رو به رشد جهانی شدن و بحران هویت سر فرو نیاورد.

ارتباط معمار و خانه

قابل ذکر است در دوره معاصر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان دولت و شهرداری‌ها در زمینه فضاهای شهری، خانه‌سازی و تولید انبوه، نقش مؤثری در چگونگی فرهنگ خانه معاصر داشته و دارد اما در شرایط جامعه پیشامدرن، دولت‌ها نقشی در زمینه خانه‌سازی نداشتند و خانه بیش از هر چیز مقوله و امری خصوصی تلقی شده و به کمک معماران طراحی و ساخته می‌شدند اما امروزه با گسترش ساخت و ساز و نگاه اقتصادی به مسکن فاصله میان معماران و ساکنان به واسطه بساز و بفروش‌ها بیشتر شده است و این فاصله با انقلاب دیجیتالی در آینده و شیوع شیوه‌های ساخت و ساز بسیار منعطف و قابل مدیریت فضایی روز به روز بیشتر می‌شود تا جایی که نقش معماران از " فضا را برنامه‌ریزی کردن" به" فضا برنامه‌ریز" تغییر می‌یابد.

بنابراین علم و هنر معماری نیز متفاوت با گذشته بوده، روز به روز به اجزایی کوچک‌تر تجزیه شده و با تخصص‌های جزیی‌تر مواجه خواهد بود. انتظارات از معماران و طراحان واحدهای مسکونی تغییر خواهند کرد و حوزه‌های مهم در طراحی مسکن به آیتم‌هایی فراتر از سازمان فضایی و تأسیسات مناسب بدل خواهند گشت.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

جمع بندی و ارائه پیشنهادها

امروزه برای ما ایرانیان که هنوز در کنار سبک زندگی مدرن، عناصری از سبک زندگی سنتی و کهن را تجربه می‌کنیم، توجه به زیبایی‌ها و نکات مهم و با ارزش زندگی گذشتگان و حفظ آن‌ها برای رسیدن به یک زندگی بهتر و سالم‌تر در آینده بسیار ضروری است. اینکه وارث بافت شهری و فضای عمومی موجود هستیم متضمن استمرار وجودی در آینده است. استمرار حضور گذشته، آینده را رقم می‌زند. همان قدر تقلید از گذشته بی‌فایده است که ریشه کن کردن آن، زیرا تغییرات پارادایمی در مفاهیم و مکان فیزیکی از دیروز تاکنون، تغییر سیستماتیکی را در متن فرهنگی، اجتماعی و صنعتی آینده ایجاد خواهد کرد که زندگی، رفتار، معماری و به خصوص مسکن را در خود غرق می‌کند. بنابراین امروز که با سرعت زیاد در حال گذر از انقلابی جدید هستیم باید هوشیارانه عمل کنیم. چرا که با سرعت گرفتن تحولات، دیگر توان اندیشیدن و حفظ ارزش‌های انسانی، فرهنگی و معماری گذشته خود را نخواهیم داشت.

الگوی مسکن در شرف باز شکل‌گیری اساسی است و در آن همگرایی حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد، سیاست، تکنولوژی و اجتماع، فرایند تکاملی پایان‌ناپذیری را پدید می‌آورد؛ احتمالاً گفت‌وگوی میان فرم‌ها و فضاهای جدیدی که اکنون طراحی و ساخته شده، با آینده بالقوه آن‌ها وجود خواهد داشت؛ ارتباطی که روز به روز کمرنگ‌تر خواهد شد، بنابراین برای حفظ زنجیره مسکن ایرانی در طول تاریخ باید گذشته را ورق زد تا بتوان راه آینده را با درس گرفتن از گذشته هموار ساخت و با تجزیه عوامل مؤثر بر مسکن و فضاهای زندگی، از گذشته تا فردا به تحلیل، بررسی و ارزشیابی آن‌ها پرداخت. این امر در زمان کنونی که در حال گذار به دنیایی جدید هستیم حیاتی و بسیار مهم است.

با انجام این تحقیق و دست‌یابی به دستاوردهای آن، سهم بخش‌ها و مفاهیم تأثیرگذار غیر معماری بر معماری بیش از پیش نمایان می‌گردد. بنابراین تنظیم هر راهکاری برای دست‌یابی به الگوی مسکن آینده بدون کمک رهنمودهای متخصصین علوم دیگر ناقص و بی‌نتیجه خواهد ماند.

مسئولیت بزرگی بر دوش نخبگان معماری به خصوص حوزه مسکن است و پیشنهاد می‌شود با انجام یک کار تحقیقی و گسترده با همکاری فرهنگیان، اقتصاددانان، سیاستمداران، جامعه‌شناسان و دانشمندان آشنا به روند تحولات متغیرهای آتی، روند، تأثیرات و مقصد عوامل پنج‌گانه مؤثر بر تحول مسکن که پیش از این ذکر شد بررسی شوند. بدینوسیله با شناختی جامع روند عناصر مهم مسکن ایرانی آینده، شناسایی و ارزش‌گذاری شده و به صورت قوانینی درآیند که در جهت حفظ فرهنگ خانه‌سازی و ماندگاری مسکن ایرانی مؤثر واقع گردند. با مطالعات انجام شده و با توجه به تخصصی‌تر شدن مداوم تمامی علوم، نجات مسکن در ایران از گرداب تقلید ناآگاهانه از روند ساخت مسکن نوین جهانی، تنها به وسیله معماران تحقق نخواهد یافت و نیازی اساسی به همکاری دانشمندان و متخصصان سایر علوم دارد.

توجه به نکاتی چند در ابتدای این راه خطیر می‌تواند راهگشا باشد که با تحقیق، تحلیل و تفکر در این زمینه در راهکارهای زیر خلاصه شده است:

– با همکاری معماران و دانشمندان علوم شیمی، بیولوژی، کامپیوتر، سازه، اقتصاد، روانشناسی، جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی، تحولات مسکن در تمامی حوزه‌های درون‌گرایی، سازمان فضایی و عملکرد اندام‌های خانه، شیوه زندگی، شیوه ساخت، نوع و ارتباط واحدهای مسکونی، تعداد و نوع رابطه ساکنین، نحوه

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

رویارویی با اقلیم، چگونگی ارتباط بـا طبیعـت و هویـت خانه، پیش‌بینی و الگوی مناسب مسکن آینده ارائه گردد.

– آنچـه در طـول سـالیان دراز سـبب ارزشـمندی معماری ایرانی شده است توجه به پـنج اصـل درون‌گرایـی، پرهیز از بیهودگی، مردم‌واری، خودبسـندگی و نیـارش بـوده است. بـا در معـرض خطـر قـرار گـرفتن هویـت محلـی و معماری بومی در آینـده توجـه بـه ایـن اصـول و سـعی بـر تطبیق آن‌ها با شرایط انقلاب دیجیتـالی مـی‌توانـد در حفـظ مسکن بومی هر منطقه از کشور ایران کمـک کنـد. طراحـی خلاقانه سازمان فضایی خانه‌ها مـی‌توانـد همچـون گذشـته درون‌گرایی خانه‌ها را تضمین نماید، بهـره‌گیـری از معـانی، مفاهیم و فرهنگ محلی می‌تواند مانع از ساخت و سـازهای بیهوده و بی‌معنا و حفظ سلسـله مفـاهیم حـاکم بـر اجـزای فیزیکـی و غیـر فیزیکـی خانـه گـردد، همکـاری و تحقیـق مشـترک بـا روان‌شناسـان، متخصصـان فرهنـگ و جامعـه شناسی، دانشمندان نرم‌افزار و فضـاهای هوشـمند مبتنـی بـر جابـه‌جـایی داده‌هـا مـی‌توانـد نـه تنهـا در حفـظ تناسـبات فیزیکی انسانی در فضاها، بلکـه در حفـظ تناسـبات روانـی انسانی و انتقال داده به آن‌ها تأثیرگذار باشـد، بهـره‌گیـری از علمی همچون شیمی، فیزیک و سازه می‌توانـد از مصـالح و مواد بومی هر مکان، مصالح و سازه‌های جدیـد و هوشـمند بسازد تا هر منطقه بتواند بـا بهـره‌گیـری از امکانـات محلـی خود وابستگی به نقـاط دیگـر را بـه حـداقل رسـانده و بـه حفظ هویت بومی منطقه کمک نماید.

– تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های متناسب با هر محـل می‌تواند در جهـت اسـتحکام و بـه کـارگیری احکـام بـه دست آمده از مراحل پیشین کمک نماید.

منابع

– ابراهیمی، سـمیه؛ اسـلامی، غلامرضـا. (1389)، معمـاری و شهرسازی ایران در دوران گـذار". هویـت شـهر، سـال چهـارم، شماره 6، بهار و تابستان.

– ادیب زاده، بهمن. (1384)، آثار خانه در ایران از نوسنگی تا ساسانی به روایت گنجینه خـاک. وزارت مسـکن و شهرسـازی، سازمان عمران و بهسازی شهری ایران.

– اعتصام، ایـرج. (1374)، " بررسـی معمـاری و شهرسـازی معاصر ایران با اروپا". مجموعه مقالات کنگره تـاریخ معمـاری و شهرسازی ارگ بم، تهران، سازمان میراث فرهنگی.

– ایران محبوب، جلیل؛ میر فردی، اصـغر. (1382)، " بررسـی تأثیر متقابـل فراینـد افـزایش جمعیـت و شهرنشـینی در ایـران". نخستین همایش جمعیت‌شناسی ایـران، تحـولات اخیـر و آینـده جمعیت ایران.

– ایزدی، حسن؛ شـیخها، معصـومه.(1387)، "بررسـی نقـش سیاست‌های حمایتی و تشـویقی دولـت در نوسـازی بافـت‌هـای فرسوده شهری _ نمونه موردی بافت قدیم شهر شـیراز ". اولـین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، مشهد، 20 و 21 آذر.

– پیرنیـا، محمـد کـریم؛ معماریـان، غلامحسـین. (1384)، سبک‌شناسی معماری ایرانی. تهران، نشر معمار، چاپ چهارم.

– پیرنیا، محمد کریم؛ معماریان، غلامحسین. (1384)، آشنایی با معماری اسلامی ایران. نشر سروش دانش، چاپ دهم.

– پیرنیا، محمد کریم؛ معماریان، غلامحسین. (1387)، معماری ایرانی. نشر سروش دانش، چاپ اول.

– تـارو، لسـتر. (1390)، خلـق سـرمایه. سـازمان گسـترش و نوسازی صنایع ایران.

– حائری، محمد رضا. (1375)، "طراحی مسـکن امـروزی و اصول معماری خانه‌های سنتی". مجله آبادی، شماره 23، زمستان، صص 28- 19.

– حکیم، نگار. (1381)، " تحول معمـاری مسـکن ایرانـی در دهه‌های نخست قرن". معمار، شماره 17، تابستان.

– دی‌تور، جیمز. (1378)، " آینـده پژوهـی بـه‌عنـوان دانشـی کاربردی". ترجمه احمـد ابراهیمـی؛ عقیـل ملکـی‌فـر. فصـلنامه رهیافت، شماره بیستم، بهار.

– سالوادارى، ماریو. (1385)، سازه در معمارى. ترجمه محمود گلابچی. انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.

– شوئنوئر، نوربرت. (1380)، مسکن، حومه و شـهر، ترجمـه شهرام پوردیهیمی، انتشارات روزنه چاپ اول.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

– شیخ، زهرا. (1384)، مقایسه معماری سنتی و مدرن (خانه). استاد راهنما: محمد صادق فربد. پایان نامه کارشناسی ارشد مردم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
– فاضلی، نعمت‌الله.(1385)، " جوانان و انقلاب در سبک زندگی ". مجله جامعه شناسی و علوم اجتماعی، شماره 31، تابستان، صص 31 – 22.
– فاضلی، نعمت‌الله. (1386)، "مدرنیته و مسکن: رویکردی مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن". فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره 1، پاییز ، صص 63 – 25.
– فروتنی، سام. (1388)، مصالح و ساختمان. تهران، انتشارات روزنه، چاپ هفتم، ویراست دوم.
– گاردینر، استفن. (1375)، "خانه: از آغاز تا دوره مدرن". ترجمه شهرزاد مهدوی، آبادی، شماره 23.
– ملک شهرزادی، صادق. (1367)، " کشف قدیمی‌ترین روستای پیش از تاریخ در ایران". مجله ساختمان، آبان ماه، شماره 6، صص 67-56.
– مهر آیین، مصطفی. (1389)، "دیدگاه‌هایی در فرهنگ و تکنولوژی". دانشگاه آزاد اسلامی.
– ناجی‌میدانی، علی اکبر؛ فلاحی، محمد علی؛ ذبیحی، مریم. (1389)، " بررسی تأثیر پویای عوامل کلان اقتصادی بر نوسانات قیمت مسکن در ایران (1369 تا 1386) ". مجله دانش و توسعه، سال هجدهم، شماره 31، تابستان.
– نقره‌کار، عبدالحمید. (1387)، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول.
– هاشمی، رضا. (1375)، "خانه و معمار". مجله آبادی، شماره 23، زمستان ، صص 3- 2.
– Rapoport, Amos (1969), *House Form and Culture (Foundations of Cultural Geography Series).* Englewood Cliffs, N. J., Prentice Hal.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]